

روشنی ها

روشنیها بر جهان از کلبه ها تابیده است

وندربین نیزار ظلمت شیر نر خوابیده است

کلبه های روشن از انوار تقوی و شرف

پروراند در درون خود گهرها چون صدف

کوک هیزم شکن در کلبه پست و حقیر

گام زد بر عرصه هستی بروی یک حصیر

تیرگیها را بنور عقل خود روشن نمود

زندگانی همچو گلخن بود، او گلشن نمود

